

انتخابات گذشته و مسیر آینده عراق

آرمان محمودیان



عکس: Gettyimages

شامل ۱۳ حزب بود است. حوزه انتخاباتی ائتلاف متحدون شهر موصل بود که بزرگ‌ترین شهر سنی‌نشین است و مردم آن از رهبر ائتلاف و برادر او که فرماندار شهر است حمایت می‌کنند.

۲-ائتلاف العربیه که با شعار«تغییر» و تأکید خاص بر تغییر قانون اساسی عراق و رهبری صالح مطلک، معاونت نخست‌وزیری عراق به میدان آمده است. این ائتلاف ۹حزب را در بر می‌گیرد و تلاش دارد بعد از انتخابات به‌عنوان بزرگ‌ترین نیروی سیاسی سنی ظاهر شود. ائتلاف العربیه در استان‌های صلاح‌الدین و کرکوک نفوذ دارد.

۳-ائتلاف ملی (ائتلاف الوطنیه) که به رهبری ایاد علاؤی نخست‌وزیر پیشین، شیعه مذهب عراق و با شعار «دولت مدنی، آشتی ملی و توسعه واقعی» به مصاف انتخابات پارلمانی عراق آمده‌است.این ائتلاف متشکل از ۱۵ شکل و گروه است. ۴-ائتلاف «الکرامه» است که توسط «خمیس خنجر» تاجر سنی و بنیانگذار اصلی فهرست العراقیه در سال ۲۰۱۰ رهبری می‌شود و این ائتلاف موضع بسیار سرسختی در مقابل دولت مالکی دارد و خود را تکرار صدای موج تظاهراتی که در سراسر سال گذشته در شهرهای سنی‌نشین جریان داشت می‌داند.

«احمد العلوانی» که به اتهام تحریک احساسات فرقه‌گرایانه در پایان ماه دسامبر سال گذشته به‌وسیله نیروهای امنیتی عراق بازداشت شد یکی از رهبران سیاسی بنیانگذار فهرست الکرامه است. ائتلاف کرامه استان الانبار را حوزه نفوذ خود در نظر گرفته بود.

۵- ائتلاف «العراق» که فاضل الدیاس رهبری آن را برعهده دارد و در تمام استان‌های سنی رقابت می‌کرد. این ائتلاف نرم‌ترین نگرش را نسبت به دولت نوری المالکی دارد. این ائتلاف سلاقی برخی رهبران قباایل و اجتماعات سنی از قبیل «شیخ حمید الهایس» را نمایندگی می‌کند که به نخست‌وزیر نزدیک هستند.

احزاب اصلی کرد

۱-حزب دموکرات کردستان عراق که با رهبری مسعود بارزانی و شعار «رای و حاکمیت را به ما هدایت، تا واقعاً به شما خدمت کنیم» در معادلات کردی عراق، حضور پیدا کرده است.

حزب مسیحی کردستان عراق که با رهبری جلال طالبانی، رئیس‌جمهور عراق و شعار «آزادی، آبادانی، آینده خوب و نوید زندگی بهتر برای مردم کردستان عراق» وارد عرصه شده است. هر چند که شکست در انتخابات پارلمانی اقلیم کردستان عراق و فقدان حضور سیاسی جلال طالبانی و اختلافات در کادر رهبری این حزب، موقعیت آن را در قبال حزب دموکرات تضعیف کرده است.

 	 	 	
آنچه معادلات سیاسی عراق را پیچیده کرده است ترکیب جمعیتی این کشور نیست بلکه تأثیر گسترده نهایی و کلیدی ائتلافها و صف‌بندی جناح‌های سیاسی عراق پس از اعلام نتایج انتخابات پارلمان عراق است			
 	 	 	

تحلیل داده‌ها

همان‌طور که در بخش‌های مقدماتی ذکر شد مجموعه‌ای از عوامل بالاخص جنگ داخلی سوریه به‌موجب شده است که در انتخابات پارلمانی عراق گرایشات فرقه‌ای و قومیتی نقش‌سی موثر و تعیین‌کننده ایفا کرده باشد از این‌رو در این انتخابات ترکیب جمعیتی جمهوری عراق بیش از هر عامل دیگری تأثیرگذار بود، در حقیقت پیش از آغاز انتخابات پارلمانی عراق وسعت ۵۰۶٫۶درصدی شیعیان عراق مشخص کرده است که اهل تشیع نقش‌ی محوری و ریاستی در دولت آتی‌ه عراق دارند ضرب ۲۰-۱۵درصدی نیز تکلیف کرده‌ا را در ساختار کلان سیاسی عراق مشخص می‌کند،اعراب سنی نیز ۲۰-۱۵درصد از جمعیت عراق جایگاه مشخص خود را دارند.

اما آنچه که معادلات سیاسی عراق را پیچیده کرده است، ترکیب جمعیتی این کشور نیست بلکه تأثیر گسترده،نهایی و کلیدی ائتلاف‌ها و صف‌بندی جناح‌های سیاسی عراق پس از اعلام نتایج انتخابات پارلمان عراق است.

عامل سرنوشت‌ساز دیگر، تشخیص ائتلافی است که موفق شود بیشتر درصد آرا را به‌دست آورد، هرچند که لزوماً کسب این جایگاه به معنای تصرف سمت نخست‌وزیری نیست، چنان‌که در انتخابات ۲۰۱۰ ائتلاف العراقیه به رهبری ایاد علاؤی با اینکه موفق شد، بیشترین میزان آرا را کسب کند اما نتوانست کاخ نخست‌وزیری منطقه خضره بغداد را فتح کند.

در حقیقت اخذ بیشترین آرا ازجمله‌نی آن ائتلاف را جهت تقربیر دیگر ائتلاف‌ها به اتحاد با خود برای کسب مقام نخست‌وزیری بالا می‌برد اما لزوماً به معنی به‌دست‌آوردن نخست‌وزیری نیست.

با این وجود وضعیت داخلی احزاب و اتفاقات برون‌مرزی این امکان را پدید آورده است که بشود در مورد وضعیت و شرایط فعلی ائتلاف‌بندی‌های سیاسی،

تحلیلی را ارائه کرد.

از این‌رو می‌توان ائتلاف دولت قانون را در وضعیت نسبتاً پابثبات، پیشتاز و معقول (و نه عالی) دانست، زیرا که این ائتلاف از یک‌سو اتحاد درون‌سازمانی خود را حفظ کرده و موفق شده است که با بهره‌برداری تبلیغاتی از جنگ داخلی سوریه و برخورد شدید با ناآرامی‌ها در مناطق سنی‌نشین، خود را در پیش چشم‌بخش مهمی از شیعیان عراق به‌عنوان حافظ منافع سرسخت این جمعیت مذهبی نشان دهد. البته ائتلاف دولت قانون نقاط‌ضعف خود را نیز دارد، سیاست مشّت آهنین					
---	--	--	--	--	--

پس از عملیات نظامی آمریکا و سرنگونی حکومت صدام‌حسین خشونت‌ها در عراق به مدت پنج‌سال ادامه یافت تا بالاخره سه‌گروه سیاسی – قومی مهم عراق یعنی شیعیان که در اکثریت هستند، اعراب سنی و کردها، در مورد مشارکت در قدرت و همکاری به حدی از تفاهم رسیدند.

اما با شدت گرفتن جنگ داخلی سوریه و گسترش ابعاد فرقه‌گرایانه در این جنگ داخلی، عراق نیز از همسایه غربی خود متأثر شد، بالاخص که اعتراض و تجمعات صورت‌گرفته توسط اهل تسنن در غرب این کشور، پتانسیل خوبی را برای ظهور مجدد نبردهای نظامی در غرب عراق بالاخص استان الانبار فراهم کرد؛ درگیری‌هایی که هنوز تکلیف خاصی برای آن مشخص نشده است و حتی موجب شده است که از دید ناظران بخش‌های دیگر عراق نیز تبدیل به آتش زیر خاکستر شوند.

اما مشکلات بحران‌خیز عراق فقط محدود به ناامنی‌های گسترده در غرب این کشور نیست بلکه عراق با بحران‌های قریب‌الوقوعی در شمال خود نیز روبه‌رو است، نزاع با کردها در شمال بر سر کم‌وکیف صادرات انرژی به ترکیه، مساله حاکمیت بر کرکوک، تخصیص بودجه و مساله حقوق پیشمرگ‌ها، کنترل مرز و گذرگاه‌های مرزی، رابطه با اکراد سوری، پناهندان به طارق الهاشمی و… موجب شده است که حتی برخی از رهبران کرد صحبت از افزایش احتمال جدایی اقلیم کردستان عراق از این کشور و استقلال کامل آن را کنند، استقلال‌طلبی و یا حداقل مانور استقلال‌طلبانه‌ی که در کنار قرار گرفتن آن با افزایش صداهای خواهان تشکیل اقلیم نینوا موجب شده است که عده‌ای هویت ملی واحده عراقی و بالطبع تمامیت ارضی این کشور را در خطر ببینند.

مجموع این عوامل باعث شده است که انتخابات پارلمانی صورت گیرد و دولتی که در پی آن به روی کار خواهد آمد، نقش‌ی حیاتی و سرنوشت‌ساز را برای آینده عراق بازی کند، از این‌روست که در این یادداشت سعی به آسیب‌شناسی تبعات این انتخابات می‌شود.

انتخابات ۳۰ آوریل و نیم‌نگاهی به گذشته

عراقی‌ها انتخابات پارلمانی خود را در شرایطی پشت‌سر گذاشته‌اند که تنش بین شیعیان و سنی‌ها در سطح حکومت و گروه‌های سیاسی افزایش یافته است و طی سال گذشته درگیری‌های خشونت‌آمیز به شکل قابل توجهی افزایش یافته است. طبق گزارش سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳ در مجموع طی ناآرامی‌های مختلف حدود ۲۹هزار نفر در عراق اعم از نظامی و غیرنظامی کشته و زخمی شده‌اند که این بالاترین رقم تلفات در جریان درگیری‌های خشونت‌آمیز طی پنج‌سال گذشته است. از این‌روست که نتیجه این انتخابات به احتمال فراوان روی ثبات و حتی یکپارچگی عراق تأثیر زیادی خواهد داشت.

در کنار این بحران‌ها عراقی‌ها ۳۰ آوریل به صاف انتخابات پارلمانی خود رفتند که به واسطه نظام سیاسی پارلمانی عراق، تأثیر مهمی بر آینده عراق و حتی وحدت ملی و تمامیت ارضی این کشور می‌گذارد و در این بازی و مسیر هیچ‌چیز به اندازه صف‌بندی جناح‌های مختلف سیاسی عراق در کنار یکدیگر و مقابل طرف دیگر نقش تعیین‌کننده ندارد، زیرا که سیاست عراق به‌شدت تحت‌تأثیر زدوبند و ائتلاف گروه‌های مختلف قرار گرفته است که هر یک از آنها به یکی از اقلیت‌های قومی – مذهبی مهم کشور تعلق دارند و بازیگران آن به سمرکن کلان اعراب شیعه، اعراب سنی و اکراد تقسیم شده‌اند که هر یک تقسیم‌بندی و جناح‌بندی‌های داخلی خود را دارند.

در این بین نوری‌مالکی که می‌خواهد برای بار سوم نخست‌وزیر شود، خود را سیاستمدار نیرومندی جلوه می‌دهد که قادر است شورش‌های منتسب به القاعده و گروه‌های همفکر آن را سرکوب کند. البته گروه ائتلافی تحت رهبری نوری مالکی به نام دولت قانون که اساسا دربرگیرنده گروه‌های شیعه است، در انتخابات سال ۲۰۱۰ در مقام دوم قرار گرفت، هرچند که به‌طور کلی در آن انتخابات کل آرای شیعیان بین دو ائتلاف تقسیم شد و پس از ۹ماه حالت پلانکتلیفی و مذاکرات دشوار بالاخره گروه‌های رقیب بر سر تشکیل دولت به توافق رسیدند و آقای مالکی در راس یک دولت ائتلافی که اکثریت آن در کنترل شیعیان است برای دور دوم به مقام نخست‌وزیری رسید.

از انتخابات قبیل به این‌سو نوری‌مالکی بخش زیادی از اختیارات و قدرت تصمیم‌گیری را قبضه کرده است، کنترل نیروهای امنیتی و نظامی را در دست گرفت و به گفته برخی حتی در قوه‌قضایی کشور نیز که قاعداً باید مستقل باشد نفوذ فراوانی دارد.

البته مالکی چرایی این کار را در این دانسته است که برای حل مشکلات عراق چنین تمرکز قدرتی در دست نخست‌وزیر الزامی است. ولی برخی از گروه‌های سنی می‌گویند که نخست‌وزیر انگیزه‌های فرقه‌ای و گروهی دارد و سیاست‌های او جانبدارانه است. شاهدشان هم این است که چندین سیاستمدار برجسته و مهم سنی دستگیر شده و برخی از آنها در دادگاه‌هایی که به گفته منتقدان انگیزه‌های سیاسی و فرقه‌ای داشته محاکمه شده‌اند.

جمع جوانب باعث شده است که پاره‌ای از اعراب سنی و کردها، نوری مالکی را متهم به خودکامگی و انحصارگرایی کنند و طوری در مقابل وی شمشیر از رو کشیده‌اند که موجب شده است این بیم شکل گیرد که انتخاب مجدد آقای مالکی به‌عنوان نخست‌وزیر عراق، باعث شود پاره‌ای از گروه‌های معترض به سمت اتخاذ شیوه‌های اعتراضی را دیدکال گرایش پیدا کنند.

بازیگران اصلی

ائتلاف‌های کلیدی‌ال تشیع

۱-دولت قانون (الدول‌القانون) به‌رهبری نوری‌الملکی که متشکل از ۱۱حزب و تشکل دیگر بود و با شعار «امنیت، خدمت و دولت مرکزی مقتدر» به میدان آمد.

۲-ائتلاف اصلاح ملی (تحالف‌الاصلاح‌الوطنی) که متشکل از هفت‌گروه و تشکل سیاسی شیعی عراق است و به رهبری ابراهیم جعفری، نخست‌وزیر پیشین عراق با شعار «اصلاح، هدف ماست» به میدان آمد.

۳-ائتلاف شهروند (ائتلاف المواسلن) این ائتلاف متشکل از ۲۰گروه و تشکل است که با رهبری عمار حکیم، رئیس مجلس اعلای اسلامی عراق و شعار«شهروند پیروز می‌شود، پیروزی بر فساد، تروریسم و تضییع حقوق و ثروت‌ها، با به عرصه انتخاباتی گذاشت.

۴-ائتلاف آزادگان (ائتلاف الاحرار) که متشکل از سه‌گروه و تشکل است و ضیاء احمد، هدایت آن را بر عهده دارد و شعار خود را در رقابت‌های انتخاباتی «وحدت، عدالت، صلح و سازندگی» قرار داده بود.

در این بین ایطور گرفته می‌شود که ائتلاف تحت رهبری آقای مالکی برای پیروزی مجدد شانس زیادی دارد. که یکی از عوامل اصلی آن، این است که جبهه ائتلافی دولت قانون به رهبری او برخلاف ائتلاف‌های دیگری که پس از انتخابات قبلی از هم پاشیدند، هنوز یکپارچه و فعال است. به احتمال فراوان رقیب اصلی برای نوری مالکی، ائتلاف شهروند تحت رهبری مجلس اعلای اسلامی عراق است که به مسایلی مثل خدمات اجتماعی و رفاه عمومی توجه زیادی می‌کند.

ائتلاف احراز نیز همان‌طور که گفته شد از ائتلاف‌های کلیدی اهل تشیع است که اساساً از گروه‌های شیعه تشکیل شده بود اما کناره‌گیری ناگهانی مقتدی صدر رهبر این گروه آن را تضعیف کرده است.

ائتلاف‌های کلیدی اهل تسنن

۱-ائتلاف اتحاد برای اصلاح (ائتلاف‌المتحدون‌للاصلاح) که با شعار«اصلاح و تغییر» و رهبری ابراهیم اجیجفی، رئیس فعلی پارلمان عراق به میدان آمده است و

جهان

چالش قدرت در عراق



پیرمحمد ملازه‌بی

نتایج مقدماتی سومین دور انتخابات مجلس، عراق پیروزی ائتلاف هم‌پیمایی ملی عراق را نشان می‌دهد. این ائتلاف که جریان‌های شیعه را شامل می‌شود حدود ۱۶۰کرسی از ۲۳۸کرسی پارلمان را به خود اختصاص داده است اما این تعداد از کرسی به تنهایی نمی‌تواند نوری‌المالکی نخست‌وزیر کنونی را بدون مشکل در مقام کنونی‌اش نگاه دارد. جریان مالکی هرچند که ۹۳کرسی را به دست آورده و تا ۹۸کرسی انتظار دارد که در نهایت به دست بیابود ولی طبق قانون نیازمند دریافت حمایت کامل ائتلاف شیعی است که گمان نمی‌رود سایر جریان‌ها- از جمله جریان صدر و جریان حکیم به سادگی نخست‌وزیری مجدد مالکی را بدون چالش بپذیرند و خواهان دریافت سهم مناسب خود از قدرت هستند.

جدا از آنچه درون ائتلاف هم‌پیمایی ملی عراق می‌گذرد و جریان دیگر یعنی کردها و اهل سنت نیز مطالبات خاص خود را دارند و علاوه بر پست نخست‌وزیری چالش بر سر پست ریاست‌جمهوری و ریاست مجلس ملی عراق نیز مطرح است کردها مقام ریاست‌جمهوری را حق خود می‌دانند و مسعود بارزانی خود داوطلب آن است و این در حالی است که چنین حقی برای کردها به صورت رسمی در قانون ذکر نشده است.

اهل سنت نیز خواهان ریاست مجلس طبق رویه سابق هستند که آن هم به لحاظ قانونی محل بحث است. در دور دوم انتخابات مجلس که نوعی دولت توافق شکل گرفت حدود ۹۰ماه طول کشید تا همه جریان‌ها با هم به تفاهم رسیدند و نوعی دولت توافق شکل گرفت که به نخست‌وزیر آن رسید،

رئیس‌جمهوری آن کرد و رئیس مجلس آن از اهل سنت بود. اما در این دور از انتخابات، رقابت‌ها و چالش‌ها عمیق‌تر شده است و حصول توافق دشوارتر به نظر می‌رسد.نوری‌المالکی همچنان برای دور سوم نخست‌وزیری خودش را لایق می‌داند به دلیل آنکه بیشترین رای را دولت قانونی وی به دست آورده است ولی سایر جریان‌های شیعی از جمله صدر و حکیم مطالبات و انتظارات بیشتری دارند بنابراین به درستی روشن نیست که توافق نهایی چه شکلی پیدا خواهد کرد.
اینکه شخصی از میان ائتلاف شیعی غیر از نوری المالکی مورد توافق قرار گیرد ضعیف است و این در حالی است که احزاب کرد به عنوان دومین جریان که ۴۵کرسی را به دست آورده است خواهان ریاست جمهوری و ریاست مجلس شده است و روی یک موضوع مهم‌تر که همه‌پرسی برای استقلال کردستان است توافق کرده.

در واقع شرایط داخلی عراق فرای این مساله، مواردی همچون همسویی سیاسی علاؤی با طارق الهاشمی و ناآرامی‌های عرب عراق باعث شد که بخش مهمی از شیعیان عراق به سمت ائتلاف‌های شیعه گرایش بیشتری پیدا کنند تا بخواهند سید آرای خود به سمت ائتلاف‌های یبناپیان را سرریز کنند.

همان‌طور که اشاره شد دیگران‌یگر عرصه انتخابات، جریانات کردی عراق است، جریانات کردی عراق با وجود اینکه از حیث جمعیت در عراق به‌عنوان یک اقلیت بزرگ دشناخته می‌شوند، اما گرایش و صف‌بندی آنان پس از اعلام نتایج انتخابات پارلمانی می‌تواند نقش‌ی جدی در مسیر تشکیل دولت آتی‌ه داشته باشد، در مورد جریانات کردی عراق این مساله جایزاهمیت است که آنان در صف‌بندی‌های سیاسی خود در عرصه عراق، چندان به تعلقات مذهبی متعصب نیستند و به‌لحاظ سبقه تاریخی که از حکومت اعراب سنی در حافظه تاریخی‌شان وجود دارد، بیشتر به ائتلاف با جریانات شیعی گرایش دارند.

اما پیش‌بینی رفتار جریانات کردی در این انتخابات بسیار سخت است، زیرا که از یک‌سو ائتلاف الاحرار که موفق شده بود ارتباط خود با جریانات کردی پیدا کند، دچار ا‌زهم‌گیسختگی جدی شده است و از سوی دیگر ائتلاف دولت قانون به‌لحاظ اختلاف جدی دولت مرکزی عراق به‌صداרת مالکی با دولت اقلیم، وجه خوبی پیش جریانات کردی نداشته باشد. در عین حال ائتلاف اصلاح ملی به خاطر رابطه ابراهیم جعفری با جریانات کردی نمی‌تواند روی آرای ائتلاف‌های کردی حساسی بکند، از این‌رو این تحلیل به وجود آمده است که در آینده‌ی نه‌چندان دور، امکان ائتلاف بین ائتلاف شهروند با محوریت مجلس اعلا و جریانات کردی بسیار جدی باشد.

در آخر باید متذکر شد که هرچند نتایج انتخابات پارلمانی عراق و اعلان آن

مهم محسوب می‌شود اما به نظر می‌رسد آنچه که مهم‌تر است صف‌بندی‌های مجدد یا به‌اصطلاح لابی‌های رجال و رهبران سیاسی عراق است که مشخص می‌کند، بعدی نفری که می‌تواند بر مسند نخست‌وزیری عراق تکیه بزند، کیست؟

نگاه

حرکت لیبی به سوی فروپاشی

اردشیر زارعی‌قنواتی

بحران لیبی بعد از سه‌سال که از حمله غرب و متحدان منطقه آن برای سرنگونی رژیم «معمر قذافی» می‌گذرد نه‌تنها منجر به استقرار یک دولت مطلوب‌تر نشده است که با تشدید بی‌ثباتی و فروپاشی قدرت ملی به مرز فاجعه نیز نزدیک شده است.سوءاستفاده آشکار از قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت در سال ۲۰۱۱ در خصوص تعیین منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی، توسط اعضای ناتو به رهبری واشنگتن، پاریس و لندن و با همدستی آنکارا، ریاض، امارات متحده عربی و دوحه، بهانه‌ای برای حمله نظامی در قالب به اصطلاح «اقدام بشردوستانه» به خاک این کشور و سرنگونی قذافی شد. اعتراضات مسالمت‌آمیز مردمی علیه دیکتاتوری حاکم بر لیبی که خیلی زود با دخالت خارجی تبدیل به یک جنگ مسلحانه شد و بعداً با هجوم نظامی خارجی قذافی را از دور خارج کرد، در ذات خود حامل ایجاد یک پارادوکس و خلأ قدرت در کنار ظهور دستجات مسلح اسلامگرا و تجزیه‌طلب بود که هم لیبی را به بی‌ثباتی کشید و هم اینکه منطقه را دچار آشوب و هرج‌ومرج کرد. فروپاشی قدرت مرکزی در لیبی موجب شد تا انبارهای تسلیحاتی این کشور به دست گروه‌های شبه نظامی اسلامگرای جهادی و قومیت‌گرایان تجزیه‌طلب افتاده و زبان اسلحه جای منطق سیاست را بگیرد. آنچه امروز در لیبی می‌گذرد محصول مستقیم این سناریو خونین تدوین‌شده در غرب و کورپراشسیون ارتجاع منطقه است که هم‌اینک یک کشور مستقل و پابثات را تبدیل به یک جغرافیای آنارشیک در ابعاد ملی و منطقه کرده است.

در طول سه‌سال گذشته لیبی همواره دستخوش خشونت و بی‌ثباتی مزمن بوده است که شهر به شهر و محله به محله دستجات مسلح اسلامگرای جهادی و تجزیه‌طلب فارغ از آنچه به ظاهر دولت و پارلمان گفته می‌شود، اراده خود را بر این کشور تحمیل می‌کنند. بازی ژئوپلیتیکی که در لیبی انجام گرفت نقطه آغازینی بود بر ظهور یک آنارشی سیاسی در چارچوب منازعات قومی- مذهبی که فعلاً هیچ راه برون‌رفتی از آن قابل تصور نخواهد بود. حملات چند روز گذشته شبه‌نظامیان هوادار ژنرال «خلیفه حفر» موسوم به ارتش ملی به گروه‌های مسلح اسلامگرای «انصار الشریعه و گردان ۱۷فوریه» در شهر بنغازی و حمله روز جمعه ۱۷می به پارلمان در شهر طرابلس تبعات این خلأ قدرت و بی‌ثباتی ملی است. به عکس تصویری که از لیبی توسط خبرنگارهای غربی انعکاس یافته و یک پایکوت سقوی حول سوماپلیزه‌شن این کشور اعمال می‌شود، از همان ابتدای شروع رژیم قذافی ریشه‌های یک بحران بزرگ و در ابعاد فاجعه ملی به‌تدریج شکل واقعی خود را در پشت غبار نشان می‌دهد. اگر به وضعیت پارلمان لیبی و رقابت‌های گروه‌های شبه‌نظامی مسلح برای تشکیل دولت و انتخاب نخست‌وزیر نگاه درستی شود، به خوبی ابعاد این بی‌ثباتی و آنارشی سیاسی که نخست‌وزیران توسط گروه‌های مسلح روده‌ی می‌شوند (عبدلّٰه الثنی، عبدالقاسی استسغای خود را همچون «عبدالله الثنی» ارائه می‌دهند، روشن‌تر می‌شود. بعد از استعفا‌ی الثنی در چند دور نشست پارلمانی «احمد معتیق» یکی از رهبران اسلامگرا به نخست‌وزیری برگزیده شد که این‌بار نظامیان حامی ژنرال حفر رسماً اعلان کردند که



این انتصاب را به‌رسمیت نمی‌شناسند و هم‌اینک جنگ مسلحانه را آغاز کرده‌اند که از طرف پارلمان، دولت و حتی ستاد مشترک ارتش از آن به‌عنوان اقدام به کودتا نام می‌شود.

اعتراضات مسالمت‌آمیز و مردمی در لیبی علیه رژیم قذافی و سپس انحراف آن به سمت جنگ‌های مسلحانه و خشونت عریان با کمک قدرت‌های خارجی اولین انحراف در مسیر حرکتی قیام موسوم به «پهار عربی» بود که لیبی و منطقه را دستخوش بی‌ثباتی، جهادگرایی محافظه‌کار سنی، خلأ قدرت دولت مرکزی و منوایت ژئوپلیتیک بیرونی خلاف منافع ملی در این کشور و دیگر مناطق آشوب‌زده کرد. آن بازیگران داخلی و خارجی که چون «فیل در مغازه شیشه‌فروشی» جولان داده و منطق سیاسی برای تغییرات دموکراتیک را به سمت خشونت سیستماتیک فرقه‌گرایانه برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیک سوق داده‌اند، متهمان اولیه فاجعه هستند که هم‌اکنون لیبی را به لبه پرتگاه کشانده است. لیبی تحت چنین شرایطی که از پیش یک سناریوی تغییرات ژئوپلیتیک در چارچوب آنارشی سیاسی و بفرستاری برای ظهور و بروز بدیده جهادگرایی اسلامی حول منازعات فرقه‌ای برای آن تدوین شده است هرگز به ثبات نخواهد رسید. تصور اینکه در آینده نزدیک یک مصالحه ملی حول حداقل‌های منافع ملی در این کشور شکل گیرد با توجه به آرایش نیروهای داخلی و خارجی حاضر در صحنه تحولات حتی بیش از آنچه آرمانگرایانه باشد بدون‌شک ناشی از یک توهم ذکا است. لیبی امروز سه‌گزینه در پیش‌روی خود دارد که هر کدام در شرایط داخلی و خارجی که چون «فیل در مغازه شیشه‌فروشی» دموکراتیک موعود و سیستم حداقلی رفاه اجتماعی سابق خواهد بود. در اولین گزینه یک کودتای نظامی نمونه آنچه هم‌اکنون توسط ژنرال حفر کلید زده و در روند حرکتی خود می‌تواند بسیاری دیگر از نظامیان و بوروکرات‌ها را با خود برای بازگشت ثبات به کشور همراه کند. در گزینه دوم تداوم وضع موجود در تقسیم سهم قدرت در چارچوب خلأ قدرت دولت مرکزی که این کشور را تبدیل به یک جغرافیای ملوک الطوائفی و فاقد اثرات دولت- ملت در ساخت حاکم خواهد کرد. گزینه سوم تجزیه این کشور به خصوص جدایی بخش شرقی از غرب و مرکز آن است که این هم برای سال‌ها منازعات منطقه را در پی خواهد داشت. لیبی کنونی یک تصویر بدون شرح از دستکاری مطالبات مردمی و ملی به سمت خشونت و دخالت خارجی برای ایجاد تغییرات ساختاری است که می‌تواند در نگاه به این فاجعه برای دیگران درس عبرت خوبی باشد.